آرمان ملی

روزنامه صبح ایران

شماره ۱۳۴۴

یکشنبه

۲۳ • ۰۵ • ۱۴۰۱

۱۶ محرم ۱۴۴۴

۱۴ آگوست ۲۰۲۲

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

armanmeli.ir

تحلیل مرتضی افقه در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

کاهش تورم نسبت به گذشته

برجام متغیر فعال مایشاء نسبت به اقتصاد ایران است

صفحه ۶

ساداتیان: تل آویو به هر اقدامی برای شکست توافق متوسل می‌شود

ادعای ترور بولتون و حمله به رشدی در آستانه توافق هسته‌ای

هانی زاده: جمهوری خواهان و لابی اسرائیل علیه برجام متحد شده‌اند

آرمان ملی: احتمال توافق ایران و کشورهای اروپایی جدی‌تر شده است. نماینده روسیه اعلام کرده که ایران تنها در ارتباط با چند بند و کلمه در توافق درخواست‌هایی دارد. هرچند برخی مقامات آمریکا اعلام کرده‌اند هنوز توافقی حاصل نشده...

صفحه ۲

«آرمان ملی» وضعیت بازار لوازم خانگی را بررسی می کند؛

سرنوشت خودرو در انتظار لوازم خانگی

یک کارشناس اقتصادی: برخی تولیدکنندگان با عرضه قطره چکانی کالاها به بازار باعث شدند تا بازار این صنعت هم مانند کاری که خودروسازان با مردم کردند بشود؛ سیاستی که پول مردم را گرفته و ۶ ماه دیگر کالا را تحویل می‌دهند هم به بازار لوازم خانگی سرایت کرد بنابراین تولیدکنندگان نتوانستند از اعتمادی که زمینه آن به واسطه عدم واردات کالا فراهم شده بود استفاده کنند و بازارسازی مناسب داشته باشند

صفحه ۴

درباره هادی خانیکی و به بهانه عمل جراحی روز گذشته او در شیراز

مردی که با دردهایش هم ارتباط گرفت

گاه در بستر بیماری من حجم گل چند برابر شده است و فزون تر شده است

صفحه ۹

عکس: آرمان ملی / حجت سپهوند

در گفت‌وگو با مترجم رمان «همچون پرستوها آمدند»

بازخوانی آنفلوآنزای اسپانیایی در عصر کرونا

آرمان ملی: آنفلوآنزای اسپانیایی در سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹، بزرگ‌ترین کابوس بشریت بود که ظرف کمتر از ۲ سال، جان یک‌سوم جمعیت جهان (۵۰۰ میلیون نفر) را گرفت. ویلیام مکسول، ویراستار و نویسنده آمریکایی (۱۹۰۸-۲۰۰۰)

صفحه ۷

«آرمان ملی» در یک‌سالگی دولت ارتباط دولت با مردم را بررسی می کند

تحقق وعده‌ها عامل ترمیم اعتماد عمومی

اسماعیل گرامی مقدم: مناسبات دولت و ملت تنظیم نشود ترمیم اعتماد هم سخت خواهد بود

صفحه ۳

سخن روز

تن دردمند، جان گفت‌وگوگر

الهام فخاری

فعال اجتماعی

برخی نام‌ها با برخی کارها گره خورده‌اند. برخی آدم‌ها همه زندگی خود را در راه پیشبرد دیدگاهی یا برپایه روندهای نظریه‌ای هماهنگ زیسته‌اند. نام دکتر هادی خانیکی که بر زبان می‌آید همراه خود مفهوم «گفت‌وگو» را در پی دارد. اکنون می‌توان گفت پس از تکاپوهای دوران جوانی‌اش که با زیر و زبرسازی ساختار سیاسی ایران هم‌هنگام بود، دهه‌هاست راه و ...

همین صفحه

یادداشت ۱

در احیای برجام فرصت‌سوزی نکنیم

حشمت‌ا... فلاحت پیشه

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

دولت طی یک سال گذشته در سیاست منطقه‌ای خود نمره قبولی گرفته اما در سیاست جهانی و مشخصا موضوع برجام هنوز نمره قابل قبولی دریافت نکرده است. به ویژه اینکه ضعفی در سیاست خارجی ایران در دولت‌های مختلف همیشه وجود داشته و آن نگاه یکجانبه به سیاست خارجی بوده است. مثلا دولتی ...

صفحه ۲

یادداشت ۲

سیاست خارجی دولت و فرصت‌های پیش‌رو

حسن لاسجردی

کارشناس مسائل بین‌الملل

دولت سیزدهم سیاست خارجی خود را بر پایه منطقه‌گرایی و همکاری با کشورهای همسایه قرار داده و به نظر می‌رسد که شاید از نظر هدف‌گذاری هدف مبتنی بر خواست دولت سیزدهم باشد اما در عمل برای رسیدن به این هدف شاید هنوز فرصت و زمینه‌های لازم برای آنچه تاکنون دولت طراحی کرده فرار ...

صفحه ۶

نگران عادی شدن فقر باشیم

سیدحسن موسوی چلک

رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

این روزها به محافل رسمی یا غیررسمی در حمل و نقل عمومی یا محیط‌های عمومی که می‌رویم، تقریبا عمده صحبت‌ها و دغدغه‌ها حتی در جمع‌های خانوادگی و دوستانه، صف نانوایی و جاهای مختلف حول موضوع افزایش قیمت‌ها و ناتوانی مردم در تامین هزینه‌ها و یا جبران بخشی از هزینه‌هایی است که در زندگی به واسطه تورم و گرانی‌هایی که چند سالی است داریم تجربه می‌کنیم و این شرایط از نظر من شرایط نگران کننده‌ای است. چون به این معنی است که یک جوری پذیرش فقیرتر شدن افراد دارد عادی می‌شود. اما چرا این نگرانی را باید داشته باشیم؟ از این باب باید نگران باشیم که تامین حداقل معیشت و قانع شدن به این حداقل معیشت و گاهی مواقع با این توجیه که سطح زندگی مردم را اینگونه بپذیریم که قوت برای نمردن داشته باشند. این درحالی است که مردم کشور ایران با این همه منابع و ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه حق دارند که زندگی مرفهی داشته باشند. مرفه از این باب زندگی که در آن دغدغه تامین نیازهای اساسی‌شان را اصلا نداشته باشند بلکه برای داشتن زندگی مرفه‌تر که در شان مردم ایران و ایرانی باشد، باید تلاش بکنند و امکانات فراهم شود تا مردم از زندگی کردن لذت ببرند و نیازهای اولیه مثل خوراک و پوشاک و مسکن و شغل، دغدغه کسی نباشد. ولی وقتی با مردم صحبت می‌کنیم یا در جمع آنها حضور پیدا می‌کنیم و می‌شنویم، خود ما هم جزئی از این مردم هستیم و جدای از این مردم نیستیم، شرایط به‌گونه‌ای شده که داریم حداقل‌ها را می‌پذیریم. می‌گوییم خدا را شکر امروز خیلی گران نشد، نه اینکه گران نشد. یک ماشین پراید را طی این سال‌ها نگاه کنید که از چه قیمتی به چه قیمتی رسیده. یک وسیله حمل و نقل که به اعتراف خود مسئولین و مدیران مرتبط ایمنی خوبی ندارد و در همین سیل اخیر دیدیم که این نوع خودروها چگونه مچاله شدند. درحالی که خودرو ایمن حداقل نیاز است. همین ماشین با این ویژگی چند درصد رشد قیمت داشته است؟ هزینه درمان، دارو و آموزش، اجاره‌خانه و خرید خانه که برای خیلی‌ها قابل تصور نیست. حال قبلا اگر به خیالمان خوش بودیم که می‌توانیم یک مسکن مستقل داشته باشیم که مال خودمان باشد الان دیگر با این شرایط آن تصوری که گاهی مواقع لحظه‌ای می‌توانست شادمان کند هم دیگر برای خیلی‌ها متصور نخواهد بود. این نوع نگاه چه توسط مسئولین و چه توسط مردم یعنی عادی سازی فقر و پذیرش فقر و اینکه ما در همین جامعه زندگی می‌کنیم. بدون شک این نوع نگاه می‌تواند نگران کننده باشد.

زمینه کودتای ۲۸ مرداد

محمدهادی جعفرپور

وکیل دادگستری

در ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ پس از اجرایی شدن قانون ملی شدن نفت، حسین مکی به عنوان سخنگوی هیاتی که تاسیسات نفتی را در اختیار داشتند، نهایی شدن نهضت ملی نفت و دراختیار گرفتن دفاتر مرکزی شرکت نفت ایران- انگلیس را اعلام و در مراسمی نمادین شبیه به آیین‌های انتقال قدرت، پرچم ملی برافراشته شد، شخصیت‌های سیاسی و تاثیرگذار جهان از جمله جواهر لعل نهرو، اولازارو کاردناس رئیس‌جمهور مکزیک و... این پیروزی را به ملت ایران و مصدق شادباش گفتند. هیچ یک از حاضران و شاهدان این پیروزی تصور نمی‌کردند شعله‌های آتش بازی این جشن و سرور ممکن است روزی مقدمات سقوط دولتی را فراهم کند که آن روز پیروز میدان جنگ نفت لقب گرفته بود. انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها که با ملی شدن نفت شاهد از بین رفتن بخش عمده‌ای از سرمایه و نفوذشان بر سیاست ایران بودند خیلی پیش‌تر از جشن پیروزی مصدق و همراهانش به فکر تلافی افتاده، نقشه‌ها و برنامه‌های متنوعی برای پایین کشیدن مصدق از عرصه قدرت داشتند از تحت فشار قراردادن شاه تا به کار گرفتن مزدوران داخلی و خارجی با هدف برهم زدن نظم و اساس دولت مصدق و صنعت نفت ایران. پس از ابلاغ نخست وزیری مصدق انتخابات مجلس هفدهم در دیماه ۱۳۳۲ دولت مصدق را با چالش‌ها و مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو کرد، مذاکرات نفتی به بن‌بست خورده، بریتانیایی‌ها درصدد اتلاف وقت بودند بلکه رأی دیوان بین‌المللی دادگستری به نفع آنها صادر شود، مجلس به تحریک سلطنت‌طلبان و حامیان شاه و مزدوران استعمار پیر و آمریکا حملات خود را به عملکرد دولت افزایش داده بود اما عموم مردم وفادار به مصدق در انتظار یک پیروزی دیگر به وی امید داشتند، از طرفی وی با قول و وعده‌هایش انتظارات را بالا برده بود و حالا به سختی می‌توانست با طرحی جز کنترل کامل بر صنعت نفت موافقت ملت را جلب کند. انگلیس هم که نگران آبروی امپراتوری خود بود به هیچ وجه نمی‌خواست ملی سازی نفت را به عنوان حق حاکمیت ملی ایران به رسمیت بشناسد در چنین شرایطی هرگونه عقب‌نشینی از سوی دکتر مصدق با انبوه مخالفانی مواجه می‌شد. به‌رغم تمام چالش‌ها مرداد ۱۳۳۲ مصدق که به قدر کافی محبوبیت یافته بود موفق شد از مجلس رأی اعتماد بگیرد ۶۵ رأی موافق از سوی نمایندگان یعنی پشتیبانی مجلس، ده روز پس از رأی اعتماد، مصدق خواستار دیدار خصوصی با شاه راجع به منصب فرماندهی کل قوا برای نظارت بر تمامی ترفیعات و بازنشستگی‌ها و انتصابات نیروهای مسلح شد اما شاه ضمن مخالفت با پیشنهاد مصدق به وی گفت تو فقط نخست وزیری یعنی رئیس قوه مجریه هستی نه مسئول انتصابات نظامی. زمانی که شاه درخواست مصدق را نپذیرفت مصدق استعفای خود را تقدیم کرد و به خانه بازگشت برای لحظاتی همه تصور می‌کردند دوره نخست وزیری او همراه با امیدهای ملی سازی نفت به پایان رسیده، شاه که از این استعفا خرسند شده بود بلافاصله احمد قوام را به نخست وزیری منصوب کرد و بدین سان قوام پس از غیبت ۵ ساله دوباره به عرصه سیاست برگشت اما این اتفاق بیش از ۴ روز دوام نیاورد ۴ روز پس از آنکه قوام در ۲۶ تیر ۱۳۳۱ برمسند نخست وزیری نشست. خبر آمد که دیوان بین‌المللی لاهه به نفع ایران حکم داده است گرچه در ۲۸ تیر مجلس به نخست وزیر جدید رأی اعتماد داده بود ولی نخست وزیری قوام با مقاومت خودجوش مردم مواجه شده بود راهپیمایی خیابانی سی تیر در پایتخت و سایر استان‌ها زود به خشونت کشید، درگیری با پلیس منجر به مرگ ده‌ها نفر و مجروحیت صدها نفر شد، سربازان و تانک‌هایی که در مناطق حساس پایتخت مستقر شده بودند به جماعت خشمگین شلیک می‌کردند. قیام ۳۰ تیر موجب شد تا قوام ۷۷ ساله در ۳۱ تیر استعفا داده شاه بلافاصله مصدق را به نخست وزیری منصوب و با انزجار فرماندهی کل قوا را نیز به وی سپرد. پیروزی مصدق ضربه محکمی به امیدهای بریتانیا و آمریکا بود، اینان امید داشتند یک نخست وزیر سازشکار مانند قوام به جای مصدق بتواند زمینه کودتا یا اقدام نظامی مستقیم احتمالی را فراهم کند اما قیام ۳۰ تیر نمایشگر قدرت طبقات پایین و متوسط شهری در مقابل سیاست نخبگان بود. این پیروزی مصدق بود، مصدقی که حالا علاوه بر حمایت مجلس و مردم، با رأی صادره از دادگاه لاهه برگ برنده دیگری در دستانش داشت. حکم دیوان بین‌المللی دادگستری بر این موضوع که دیوان صلاحیت ورود به پرونده نفتی ایران- انگلستان را ندارد آب پاکی روی دستان بریتانیایی‌ها ریخته آنان را با مصدقی روبه‌رو کرد که امتیازات بی‌سابقه‌ای را به دست آورده و در صدد است تا برنامه‌های اصلاحی دیگری غیر از ملی شدن نفت را عملی کند.

تن دردمند، جان گفت‌وگوگر

الهام فخاری

فعال اجتماعی

برخی نام‌ها با برخی کارها گره خورده‌اند. برخی آدم‌ها همه زندگی خود را در راه پیشبرد دیدگاهی یا برپایه روندهای نظریه‌ای هماهنگ زیسته‌اند. نام دکتر هادی خانیکی که بر زبان می‌آید همراه خود مفهوم «گفت‌وگو» را در پی دارد. اکنون می‌توان گفت پس از تکاپوهای دوران جوانی‌اش که با زیر و زبرسازی ساختار سیاسی ایران هم‌هنگام بود، دهه‌هاست راه و روش فرهنگی و رویه آموزشی و پژوهشی دکتر هادی خانیکی همواره بر پرداختن به گفت‌وگو و پرهیز از ستیز و گریز استوار بوده است. آنچه دکتر خانیکی را به گفت‌وگو پیوند می‌زند نه تنها زمینه و رشته تخصصی ایشان، بلکه رویکرد و روشی است که در زندگی خود کوشیده به انجام برساند. هر کسی که برپایه دیدگاهی راهی در پیش بگیرد و کاری انجام دهد در روند کار دچار کاستی‌هایی هم هست و تلاش دکتر خانیکی هم جاهایی با فراز و فرود بوده است ولی می‌توان او را نمونه‌ای از رهروی که پیوسته رفته برشمرد. این ماه‌ها و این روزها دکتر هادی خانیکی چالش دست و پنجه انداختن بیماری بر تن خویش را از سرمی‌گذراند و در حالی که دوستان و همکاران و شاگردان ایشان پیگیر روند درمان هستند او از بیماری هم درنگ و میدانی برای تجربه گفت‌وگو ساخته است. نه تنها از آن‌چه در تن و روان خود می‌زید با دیگران می‌گوید، بلکه به پیوندها و پیامدهای بیماری که آینده را ناروشن‌تر کرده می‌پردازد. فراتر از این به گمان من هادی خانیکی در این روند بازگویی و بازشناسی بیماری کنونی خود، با خویشتن، با جان و تن خود، به گفت‌وگو نشسته است. از «جهان تنهایی» می‌گوید، دقیق‌تر به درون خود می‌نگرد و در بخش‌هایی از نوشته‌هایش آن به آن درون کاوی تن و روان و پیوندهایش را می‌توان خواند. تجربه جان(تن و روان) را به واژه برمی‌گرداند و گام به گام این گذار را با دیگران درمیان می‌گذارد. یادداشت‌های استاد خانیکی را می‌توان فراتر از یک خودنوشت یا روزنگاری بیماری دانست. او به دریای ژرف تجربه بیماری می‌رود و از «رنج»، چیزی فراتر از درد، سخن می‌گوید. با همه دردهایی که تنش را درگیر کرده می‌خواهد راهی بیابد یا بسازد. او می‌کوشد صدای هزاران بیمار درگیر چنبره درد باشد و به باور و سخن خودش گذار از درد و تجربه رنج را با همگان درمیان بگذارد. گویی پنجره‌ای بر دیوار تنهایی بیماران و همراهان آن‌ها در اتاق‌های درمان می‌سازد تا هم درمان را از کاری فردی و کانون‌مند بر داروی شیمیایی فراتر ببرد و بگوید که تاب آوردن رنجی که بیمار به جان می‌کشد در جمع و با هم‌بودگی با دیگران روادارانه‌تر است، و هم از هول تنهایی بیمار بکاهد، چنان که بیماری را به یک دریافت و زیست جمعی دگرگون می‌کند. در این گذار از پرداختن به آن‌چه در آشوب جهان پیرامون و در کشاکش‌های سیاسی-اجتماعی-فرهنگی می‌گذرد کناره نگرفته است، او در اوج روند درمان بیماری هم یک کنش‌گر اجتماعی است، از جامعه از جهان کنار ننشسته گرچه عکس‌ها گویای آن باشد که تنش روی تخت بیمارستان است. خانیکی هم گذشته را در یاد دارد و هم به آینده کار دارد و در پرداختن به سرطان هم در پی امر فرهنگی، گفت‌وگوپذیری و بهبود کاوش می‌کند. دکتر هادی خانیکی کوشیده است از بیماری به مثابه رنج جان و درد تن روزنه‌ای نو برای گفت‌وگو بسازد و تجربه بیماری سرطان را از درد و درمان فردی به هم‌پیمایی گروهی-اجتماعی دگرگون کند. از «تعطیل نکردن» جهان و «تغییر در عین تداوم» نوشته و بر توان شورانگیز زندگی‌ای که دشوارترین رنج‌های بدنی و روانی را در یکی از سخت‌ترین دوران‌های اجتماعی-سیاسی-اقتصادی ایران و جهان دارد، پافشاری می‌کند. دکتر هادی خانیکی استادی است نامدار که دوستش داشته‌ایم، کارها و کارنامه‌اش را نقد کرده‌ایم، با او درباره ناهمسازترین چیزها ساعت‌ها گفت‌وگوی پرفراز و فرود داشته‌ایم، و می‌دانیم که هم سرسخت است هم نازک‌خاطر، هم‌دلیر است هم روادار، و امروز از همه چیز برجسته‌تر این که او از رنج هم جلوگاه آموختن، هم فردی و هم اجتماعی، ساخته است. باید این را هم گفت او صدای همه کسانی است که بیماری تن‌شان را در تنهایی به درد کشیده، گرفتاری روند درمان عادلانه و داروهایشان را از دسترس دور کرده، جامعه در شتاب سیلاب‌گونه زندگی روزمره فراموش‌شان کرده، ولی برای زیستن می‌جنگند و سرشار از شور هستی‌اند. آقای دکتر خانیکی دست‌مریزاد که رنج را زیباتر از همه راه‌تان و پایبند به باهم‌آموختن زندگی می‌کنید و فراتر از دانشگاه و دانشکده و گروه و همه آن ساختارهای قالبی فرسوده، استاد زندگی شده‌اید.

درباره شاعری محبوب در وطن

«سایه»ات مستدام

علی رزاقی بهار

روزنامه‌نگار

تعجب‌برانگیز است که سایه این فخر شعر و ادب پارسی نه اهل درس و مکتب بوده و نه هیچ تحصیلات آکادمیکی داشته است و تا کلاس ۱۱ بیشتر درس نخواند تا مسیر زندگی‌اش چیز دیگری باشد. او در نوجوانی مدتی به کلاس خیاطی، آشپزی، خراطی و منبت‌کاری رفت، به نوازندگی ویولون مشغول بود و حتی به سمت وزنه‌برداری و کشتی رفت، مدت‌ها کارمند کارخانه سیمان شد و به تلویزیون ملی رفت و برای خود نام و آوازه‌ای دست و پا کرد. همین شوریده حالی او بود که هوشنگ ابتهاج را چهره‌ای چند وجهی کرد. علاوه بر شعر و شاعری، به موسیقی علاقه‌مند و مسلط بود، فعالیت سیاسی می‌کرد و کلامش اندوه عجیبی داشت؛ اندوهی که باعث شده بود شعر و لحن او مورد توجه بسیاری از جوانان و میانسالان دهه‌های ۵۰ و ۶۰ قرار بگیرد. و در هر مناسبت و رویدادی قطعه‌ای از شعرهای او با همان صدای جادویی و آرام گوش‌ها را نوازش دهد. فلسفه زندگی ابتهاج یک باور منحصر به فرد بود. در عین رضایت از زندگی و عاشق آن بودن از مرگ هراسی نداشت. و زندگی را برابر با لذت شنیدن بتهون و صدای شجریان می‌دانست. این آدم فرهنگ‌دوست و اهل فرهنگ اگرچه سال‌ها زندگی در غربت را برگزید اما بیشتر از هر شاعر معاصر دیگری در وطن مورد توجه و محبوب بود. شاید بدون اغراق او تا چند روز پیش محبوب‌ترین چهره فرهنگی ایران بود و شاید یکی از آخرین بازماندگان نسل طلایی فرهنگ ایران از نسل محمدرضا شجریان، پرویز مشکاتیان، محمدرضا لطفی و... که قدرش آنطور که باید دانسته نشد. سایه این شاگرد نیما و رفیق شهریار، اخوان، محمدرضا شفیعی کدکنی و... در شرایطی جهان را ترک کرد که سایه او همیشه بر شعر و هنر ایران زمین مستدام است.

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور:

فرودگاه‌های کشور سنددار می‌شوند

آرمان ملی: آیین امضای تفاهم‌نامه همکاری مشترک میان سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزارت راه و شهرسازی با حضور رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و وزیر راه و شهرسازی برگزار شد. حسن بابایی در این مراسم اظهار کرد: طرح نهضت ملی مسکن از راهبردهای کلان دولت مردمی است و از اقدام سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تسهیل و تسریع صدور اسناد برای طرح نهضت ملی مسکن در امتداد نهضت خدمت‌رسانی دوران تحول و تعالی قوه قضائیه است. بابایی بیان کرد: سازمان ثبت اسناد و املاک کشور نسبت به بافت‌های فرسوده مکلف است اسناد را به نام وزارت راه و شهرسازی منتقل کند. وی تصریح کرد: صدور سند برای تمامی فرودگاه‌های کشور را در دستور کار قرار می‌دهیم و در تفاهم‌نامه نیز این مساله را قید می‌کنیم؛ همچنین در خصوص بحث زمین‌خواری و جرایمی که در مورد زمین انجام می‌شود، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است که با همکاری دستگاه‌ها نسبت به مستندسازی صدور سند مخصوصاً اراضی دولتی اقدام کند.